

رسالة دعوت
بروفاق و رفع شقاق
از بین اهل آفاق

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله الذي امر بالوفاق و نهى عن الاختلاف والشقاق والصلوة
على جميع انبياء الافاق الذين امروا بالاشفاق ومنعوا عن الافتراق
والنفاق وبعد قال الله تعالى يا ايها الناس اتقوا ربكم الذي خلقكم
من نفس واحدة وخلق منها زوجها و بث منهم ارجالا كثيرا و نساء
يعنى ايمردمان روى زمين پرهيزكارى بكنيد و درحلال و حرام مخالفت
نكنيد بخداوند و خالق خودتان كه همه شما ها را از نسل و صلب يك نفر
مرد كه حضرت آدم باشد خلق فرمود و از باقى طينت او زوجه او را آفريده
و بعد از خلق كردن آن دو نفر پس ذكور و اناث بسيار از آن دو نفر منتشر
كرده و در اين آيه شريفه بيان فرموده كه جميع مردمان روى زمين
از يك پدر و مادرند و اهل همه آفاق برادر و برابرنند چه عرب باشند و

یا عجم و چه فارس باشد و یا ترك و یا كرد و یا هند و یا سند و یا اهل
 آسیا و یا آفریقا و یا اروپا و یا آمریکا و یا اهل صحرا ها و یا در جزایر
 دریاها پس باید همه نوع انسان بدون تفاوت بلدان از اهل ایران و توران
 و فرنگیان و هندیان یکدیگر را برادر بدانند و بر همدیگر ظلم و
 تعدی و احجاف و خلاف نکنند و مثل وحشیان و درندگان بجان و مال
 و عرض و ناموس دیگران دست درازی ننمایند و ایضاً در سوره حجرات
 فرموده یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً
 و قبائل لتعارفوا ان اکرهکم عند الله اتقیکم یعنی ای مردمان اهل
 جمیع آفاق از سفید و سیاه و سرخ و زرد بلا فرق در بین اهالی بلاد
 بدرستیکه ما خداوند و آفریننده همه موجودات و مخلوقات از هر نوع
 جمادات و نباتات و حیوانات خلق نمودیم همه شما نوع انسانرا از یک نفر
 مرد و و یک نفر زن و قرار دادیم شما را شعبه ها و قبیله ها از برای این
 که بعض از شما بعض دیگر را بشناسد و هر طایفه بنام مخصوص معروف
 شود و همه شما ها برادر و برابرید و از یک پدر و مادرید و بر همدیگر
 زیادتی ندارید و بدرستیکه گرامی ترین شما اولاد یک نفر پدر و مادر بحسبشان
 و مرتبه و قرب در نزد خداوند پرهیزکاران شماها است از ظلم و تعدی
 کردن بدیگران و بر برادران خودتان و این حاصل ترجمه آیه است و در این
 آیه نیز خداوند همه نوع انسان را برادر و خواهر و برابر قرار داده و یک
 پدر و مادر نسبت و منسوب فرموده بدون فرق در بین اهل آسیا و اروپا

اینست که دین منحصر است بدین اسلام و بغیر از دین اسلام دینی نیست در نزد خداوند تعالی و هر که بغیر از دین حنیف اسلامی برای خود طلب دین نماید پس هر گز از او قبول نخواهد شد و بالجمله در این آیات بینات دین صحیح واقعی را منحصر فرموده بدین اسلام و در سوره سباء فرموده **وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا** و در سوره احزاب میفرماید **لَکن رسول اللہ و خاتم النبیین** و مضمون این دو آیه اینست که پیغمبری کل بشر منحصر است بحضرت محمد بن عبدالله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم و اینکه نبوت و رسالت بآنحضرت ختم شده و آن بزرگوار بر جمیع مردمان پیغمبر است پس در این دو آیه مبارک که بیان کننده دین اسلام را منحصر فرموده بآنحضرت و دین را منحصر کرده بدین اسلام بصریح آیات سابقه و در سوره بقره فرموده است **لَا یُکَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا** و ایضاً در آن سوره میفرماید **وَلَا تَحْمِلُ عَلَیْنَا اِصْرًا** و ایضاً فرموده **وَلَا تَحْمِلُنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ** و مضمون این آیات شریفه اینست که خداوند تعالی تکالیف اسلامی را سهل و آسان کرده و در آنها شدت و مشقت و دشواری نیست و ایضاً در آن سوره فرموده **یُرِیدُ اللّٰهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَلَا یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ** و نص آیه شریفه سهل بودن تکالیف و دشواری و سخت نبودن فروع احکام اسلام است و در سوره مائده فرموده **مَا یُرِیدُ اللّٰهُ لِیَجْعَلَ عَلَیْکُمْ مِنْ حَرَجٍ** و در سوره حج میفرماید **وَمَا جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ** و در سوره احزاب فرموده **لَکِیْلًا یَکُونُ عَلَی الْمُؤْمِنِیْنَ حَرَجٌ وَبِهِ صَرِیحٌ** آیات شریفه در دین مبین اسلام حرج و مشقت و زحمت و سختی و دشواری نیست و بلکه تکالیف شرع مقدس اسلامی سهل و بدون اشکال است و همه

آیات شریفه مذکوره از محکّمات است و از متشابهات نیست که تأویل داشته باشد و در ترجمه و تفسیر اینها آن بود که ذکر شد بدون شك از احدی از علماء اعلام و در حدیث صحیح هشام بن سالم در کتاب محاسن حضرت صادق علیه السلام فرموده **ما كلف الله العباد الا ما يطيقون** و در حدیث صحیح ابن مهران در کتاب خصال آنحضرت فرموده **والله ما كلف الله العباد الا دون ما يطيقون** و در صحیح ابن ظبیان در آن کتاب آنحضرت فرموده **المحمدية السمحة السهلة** و مضمون این احادیث اینست که خداوند تعالی بر بندگان خودش تکلیف نکرده است مگر کمتر از طاقت ایشان و معنی حدیث آخر اینست که دین حضرت نبوی صلی الله علیه و آله سهل و در کمال سهولت است پس از همه این آیات و احادیث صحیح در کتب معتبره واضح گردیده که دین اسلام و احکام آن و تکلیف شرع انور حرج و مشقت و سختی و دشواری ندارد و بلکه تکلیف بندگان بقدر وسعت ایشان است و دلیل واضح تر بر این آنست که آن حضرت عموم الناس و بلکه زنان و دختران نه ساله با شعور را بر دین اسلام و احکام آن تکلیف فرموده و همه ایشان باید بدین مبین اسلامی عمل نمایند و احکام دین را یاد بگیرند و بدانند پس اگر احکام شرع انور و مسائل حلال و حرام و یاد گرفتن آنها و دانستن آن احکام سخت و دشوار باشد و در آن مشقت و زحمت زیاد شود چطور عوام و زنان و دختران را تکلیف به آن میفرماید و چه نحو این مردمان ضعیف را میگوید که احکام دین را یاد بگیرید و بر آن احکام عمل بکنید پس اگر در احکام اسلام و در یاد گرفتن و دانستن مسائل حلال و حرام مشقت و زحمت باشد چطور

اختصاص بر بنی اسرائیل دارد و چرا کور کورانه داخل يك مذهب شوند
 و حال آنکه آورنده آن ایشان را ندا و صدا نکرده و ابداً بایشان چیزی
 نگفته و اصلاً آنها را خطاب ننموده و تعجب از این بالاتر چه میشود و
 زیاد تر از این محل خنده چه خواهد شد اگر کسی فی الجمله رشد و
 شعور و عقل داشته باشد و یهودی و مسیحی شدن اهل سایر بلاد از تقلید
 اخلاف یا سلاف شده و از پی روی کردن اولاد بر پدران خودشان گردیده
 و یا از فریب دادن بعض یهودیان و بعض نصاری شامیان بوده است که
 عوام فرنگیان را چشم بندی کرده اند و آنها را فریقتداند و بدون علم و دلیل
 بدین خود یهود و نصاری داخل کرده و فرنگیان ساده لوح و عوام نیز
 باور نموده اند و بدون فکر و دقت بمذهب یهود و نصاری داخل شده اند
 و فرنگیان که بعد از آنها آمده اند بایشان تقلید کرده اند و بدون برهان
 فریب آنها را قبول نموده اند و تعجب بسیار از بعض اهل ایران و از بعض
 اهل قفقازات است که ابداً ربطی بر بنی اسرائیل ندارد مذهب یهود و
 نصاری دارند و اما آیات قرآن چنانکه ذکر شد پس خطابات آن بجمیع
 مردمان روی زمین شده است و علاوه بر اینها خود حضرت محمد بن عبدالله
 ﷺ در کتاب خودش بر همه مردمان روی زمین خبر داده و در قرآن خداوند
 فرموده **قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً** یعنی ای پیغمبر
 ما بگو بر همه مردمان که من فرستاده خدایم بسوی جمیع مردمان روی
 زمین بدون فرق در بین طوایف و قبایل و اهالی بلدان از سفید و سیاه و در

آیات دیگر رحمة للعالمین و نذیراً للعالمین و كافة للناس و خاتم النبیین خطاب شده و همه نوع انسان را ندا کرده و صدا نموده درین اهل کره زمین فرق نگذاشته و باهل هر مکان و همه زمان در هر زبان که باشند خود را باین آیات معرفی کرده و هر چندیکه خود آنحضرت ایرانی بوده چنانکه در رساله برهان در بیان پیغمبران ایران بیان کرده ام و لکن همه زبانها را میدانست و با اهل هر زبان چنان گفتگو میکرد که اهل آن زبان آنحضرت را از خودشان میدانسته بود و هکذا اوصیاء او و اختصاص بطائفه عرب و عجم و کرد و ترک نداشته و بر همه روی زمین مساوی و بدون فرق بودند و آیات قرآن او بر جمیع مردمان و همه نوع انسان خطاب بود و با وجود این اگر کسی بگوید که او عرب بوده و یا از عرب بوده و یا از ایران بوده و بما ربطی ندارد پس آن کس از جمله احمقان و از زمره سفیهان و از فرقه جاهلان و از جماعت نادان و منافقان و معاندان است و آن شخص از تاریخ بدون اطلاع و محض جاهل و جاهل محض است زیرا که همه اهل تاریخ میدانند که آنحضرت درس زبان عرب را خوانده بود تا چه رسد بزبان فارسی و ترکی و هندی و کردی و فرنگی و با همه اینها گفتگوی میداشت و سریانی و عبرانی و یونانی تکلم میفرمود و با عجمها و خصوصاً با فرستادگان شاه ایران چقدر گفتگوها نمود و حال آنکه ایشان يك کلمه عربی نمیدانستند و هکذا فرنگیان و با قیصرهای آن زمان و فرستاده ایشان و کاغذ ایشان و کاغذ آنها و همچنین بود اوصیای آنحضرت

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد آنحضرت تا بامام حسن عسکری علیه السلام بجماعت عرب اختصاص نداشتند و زنان فارس در منزل ایشان بودند و با آنها با زبان فارس و با ترکان با زبان ترکی گفتگوی میکردند پس هر که بگوید که آنحضرات عرب بودند و یا العیاذ بالله ایرانی نبودند در این فرض کسی که بین اینها بشر تولید شقاق و نفاق و نزاع نماید آن کس از جمله مجانین و از زمره دیوانگان و از جمله عناد کنندگان و بنای فساد گذارندگان و از اهل نفاق و از طائفه اهل فتنه و شقاق و در صورت انسان و در واقع شیطان و از اهل عدوان خواهد شد و بلکه رسوای جهان و از جمله منافقان در نظر عاقلان و دانایان خواهد گشت زیرا که آنحضرت جمیع مؤمنان و مسلمانان را برادر و برابر فرموده و در سوره حجرات خداوند فرموده **انما المؤمنون اخوة** **فاصلحوا بین اخویکم** یعنی بدوستیکه جمیع مؤمنان و خداشناسان برادرند در هر مکان و زمان و بلدان بوده باشند پس در بین برادران خودتان اصلاح بکنید و نزاع نکنید و در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که مؤمنین از یک پدر و مادرند و زمانیکه یک نفر صدمه وارد شود سائر مؤمنان باید باو اعانت بکنند و ایضاً در کافی روایت کرده که آنحضرت فرمود همه مؤمنان برادر یکدیگرند و بر همدیگر بمنزله چشمند و دلیل یکدیگرند و بر همدیگر خیانت و ظلم و خلاف وعده نمیکند و در تفسیر قمی از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود

همه مردمان از يك پدر و مادرند و افتخار کردن بر پدران خودشان از عادات زمان جاهلیت است تا آخر حدیث و مثل اینهاست احادیث دیگر و در این احادیث مثل آیه شریفه همه مؤمنان را برادر و برابر قرار داده‌اند و عرب و عجم و ترك و فارس و كرد و لور و غیر از اینها را ملاحظه فرموده‌اند و بایران و توران و هندوستان و فرنگستان و رومیان نظر آنکرده و همه نوع انسانرا بعد از خداشناسی که معنای ایمان است برادر و مساوی همدیگر فرموده و در صورت اختلاف پیدا شدن در میان ایشان امر باصلاح فرموده‌اند و در آیه دیگر در سوره حجرات فرموده **وَانظُرْنَا لِقَاتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَاصلحوا بَيْنَهُمَا فَاَنْصَحُوا** علی الاخری **فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبغی حَتّٰی تَقی الی امرالله** یعنی هرگاه دو طائفه از مؤمنان و خداشناسان با همدیگر قتال و جدال و قیل و قال بکنند پس باید سائر مؤمنان در بین ایشان اصلاح نمایند و اگر یکی از آنها طائفه دیگر را ظلم و تعدی بکنند پس ظلم کننده را بکشید تا اینکه بر گردد بحکم خداوند که رفع ظلم از بین عباد و دفع فساد از اهل بلاد است و در این آیه دستورالعمل داده که در فرض وقوع اختلاف در میان دو طایفه چه عرب و چه عجم و چه كرد و چه لور و ترك و چه ترك با ترك و چه كرد با كرد و چه عرب با عرب و چه هند با هند و یا غیر از اینها باشند باید سایر مردمان در میان ایشان اصلاح نمایند و در سوره نساء فرموده **وَاِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَاصلحوا** حکما من اهل

و حکما من اهلها ان یریدا اصلاحاً یوفق الله بینهما یعنی اگر در بین زوج و زوجه شقاق و نفاق باشد و از اختلاف ایشان ترس داشته باشید پس یکنفر از طرف مرد و یکی را از جانب زن حکم کننده قرار بدهید و اگر آن دو اراده اصلاح نمایند خداوند نیز توفیق اصلاح عطا میفرماید و این آیه هر چندیکه محل ورودش در زوجین است و لکن در هر نزاع و تنازع در بین دو نفر و دو طائفه و دو دولت و اهل دو ولایت حکم آیه جاری است چنانکه در احادیث بیان شده و از جهت این آیه در جنگ صفین عمر بن عاص و ابو موسی حکم شدند و در فقیه روایت کرده که یکنفر مخالف از هشام سؤال کرد که چرا خداوند در قضیه حکمین در صفین توفیق اصلاح نداد هشام گفت زیرا که هر دو نفر آنها اراده اصلاح نداشتند و خیال آنها افساد بوده است چنانکه بعد آن معلوم شد و در این آیه دستور العمل داده که در صورت وقوع اختلاف در بین مردمان هر چندیکه دو نفر باشد و اگر چه زوجین شوند باید از خارج دو نفر و یا چند نفر حکم کننده تعیین شود و در بین ایشان حکم بکنند و حق را از باطل امتیاز بدهند و ظلم را از بین عباد و از میان بلاد بدون افساد و فساد بردارند و برادری و برابری را حکم نمایند و در سوره حجرات فرموده لایسخر قوم من قوم عسی ان یکونوا خیراً منهم یعنی سخریه نکنند یک قومی بقومی دیگر زیرا که شاید آنها از ایشان خوبتر باشند در نزد خداوند از جهت تقوی و پرهیزکاری تا آنکه فرموده ولا

تلمزوا انفسکم ولا تنازروا بالالقباب یعنی بعضی از شما بر بعضی دیگر عیب نگیرد و بدگوئی نکند و حمدیگر را با القابها و نامهای زشت و بد نداء و صدا نکند و در این آیه همه مؤمنان و خداشناسان را نهی کرده و منع نموده از اینکه طایفه بر طائفه دیگر بد نگویند و سخریه نکنند مثل اینکه العیان بالله جمعت قارسی زبان بترکی زبان خروگاو بگوید و یا اینکه عرب بعجم و عجم بعرب و یا اینکه اگراد بعرب و عجم بگویند و یا اینکه ایشان بآنها و بر لورها و یا بغیر از آنها چیزی بدی و نسبت زشتی بگویند و بدهند زیرا که اینها خلاف حکم خداوند است و منافی برادری و بلکه از دیوانگی و از احمق بودنست و ضد آیات و روایات صحیحه و مخالفت بخداوند و پیغمبران روی زمین است و بلکه اختصاص باهل اسلام ندارد چنانکه در آیات سابقه ذکر شد که همه نوع انسان برادرند و نباید این دولت با دولت دیگر جنگ کنند و بلکه باید اسباب ناریه و آلات قتاله از میان نوع انسان بر داشته شود و در روی زمین سبب قتال و جدال و قیل و قال نبوده باشد و از بین جمیع دول و ملوک نحل آلات ناریه یکمرتبه رفع و دفع بشود و الفت تامه و مودت کامله و محبت با قاعده حاصل شود و در میان شاهان کره زمین برادری و برابری بوده باشد و یکی از ایشان بدیگران تعدی نکنند و بحقوق و بر بلاد یکدیگر تجاوز نمایند و اگر خدا نکرده یکفر از ایشان مست و دیوانه و احمق شود و بنای تعدی و اجحاف بولایات دیگری بگذارند بر همه

ایشان لازمست که از آن مست و دیوانه جلوگیری کردن و منع نمودن و باو تنبیه فرمودن و خون و مال نوع انسان را حفظ و حراست کردن چنانکه معنای آیات سابقه یا بنی آدم و یا ایها الناس همین است و اختلاف بلاد و تعدد ولایات چند نفر از برادران باعث قتل و غارت همدیگر نمیشود اگر انسان باشند و خصوصاً در يك ولایت و در تحت سلطنت يك پادشاه بشوند مثل ایرانیان از عرب و عجم و کرد و لر و ترك و فارس و مسلمان و عسیحی و یهود و زردشتی و سنی و شیعی و حنفی و مالکی و حنبلی و شافعی و جعفری و نصاری و ارمنی و غیر از ایشان پس نباید این برادران و اولاد حضرت آدم و رعیت يك پادشاه و اولاد و برادران يك وطن و يك آب و خاك باهم دیگر متنازع و متناجر و قتال و جدال نمایند و مثل وحشیان صحرا و جانوران بیابان بجان یکدیگر حمله بکنند و از زمره انسان خارج شوند و از حیوانات بدتر باشند و یکی بگوید من کرد و دیگری بگوید من عرب و یا عجم و یا ترك و یا فارس و یا مسلمان و یا مسیحی و همه اینها از جهل و بی غیرتی است اگر در خانه کس است يك حرف بس است تمام شد بدست احقر فانی حسین بن نصرالله عرب باغی در ساعت ششم

از روز ششم از دهه سیم از ماه ششم از دهه پنجم

از صد چهارم از هزار دوم از

هجرت نبوی